

بتاریخ هفتم شهریور یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت

ماموران امنیتی مانع برگزاری مراسم سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

امروز، جمعه 6 شهریور، به مناسبت سالگرد کشتار زندانیان سیاسی قرار بود که مراسمی در گلزار خاوران برگزار شود. اما ماموران امنیتی از برگزاری این مراسم جلوگیری به عمل آوردند. خانواده های جان باختگان سیاسی تصمیم گرفتند که به گورستان بهشت زهرا رفته و مراسم بزرگداشت خود را در قطعه 33 بهشت زهرا و در همبستگی با خانواده های جان باختگان مبارزات اخیر برگزار کنند که با برخورد شدید ماموران انتظامی و امنیتی مواجهه شدند.

تحصن خانوادگی کارگران در اعتراض به حکم دادگاه درباره هیات مدیره آجر ثبات

جمعی از کارگران و اعضای شورای اسلامی کار شرکت آجر ثبات در نامه ای به دبیر اجرایی خانه کارگرورامین و قرچک نسبت به حکم دادگاه در خصوص اعضای هیات مدیره این شرکت اعتراض کرده و نسبت به اعتراضهای کارگری اظهار نگرانی کردند. به گزارش ایلنا در این نامه با بیان این که 91 درصد شرکت آجر ثبات متعلق به بانک صنعت و معدن از سوی حدود 700 کارگر این شرکت خریداری شده، آمده است: اعضای هیات مدیره شرکت با مصوبه مجمع سهامداران که بالاترین مرجع تصمیم گیری در شرکت های خصوصی است مبلغ 250 میلیون تومان وام قرض الحسنه به کارگران شرکت پرداخت کرد تا از طریق آن قسمتی از اقساط خرید شرکت پرداخت شود و در عوض حقوق ماهانه کارگران به شرکت بازگشت داده شود. در ادامه این نامه با هشدار نسبت به تعطیلی کارخانه آجر ثبات آمده است: ارتزاق 2 هزار نفر از این کارخانه تامین می شود به همین دلیل کارگران این شرکت به صورت خودجوش دست از کارکشیده و به همراه خانواده های خود دست به تحصن زده اند.

اعتصاب و تحصن کارگران شرکت واگن سازی پارس اراک ادامه دارد

کارگران کارخانه واگن سازی پارس اراک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، از روز سه شنبه سوم شهریور مقابل کارخانه تحصن کرده اند. بسیاری کارگران قراردادی این واحد صنعتی به دلیل بحران مالی اخراج شده اند. این کارخانه از جمله شرکت های عظیم دولتی است که در روند واگذاری به بخش خصوصی، دستخوش بحران های شدید مالی شده است و برای رهایی از این مشکل اقدام به اخراج صدها تن از کارگران قراردادی خود کرده است. علاوه بر این کارگران رسمی این شرکت نیز حدود چهار ماه است حقوق نگرفته اند و همین امر موجب شده تا آنان در چندماه گذشته چندین بار اقدام به اعتصاب و تحصن در جلوی شرکت کنند با این وجود تا کنون اقدامی برای حل مشکلات معیشتی آنان از سوی هیئت رئیسه شرکت صورت نگرفته است و حتی بسیاری از آنان امنیت شغلی خود را از دست داده اند این در حالی است که کارگران همچنان به اعتصاب خود ادامه می دهند.

اجرای مجدد طرح انضباط اجتماعی در تهران

مهدی احمدی از مقامات نیروی انتظامی اعلام کرده که طرح انضباط اجتماعی بار دیگر در تهران به اجرا گذاشته می شود. به گزارش بی بی سی: مقامات نیروی انتظامی می گویند هدف از این طرح مقابله با بی نظمی، ساماندهی و بهبود وضعیت معابر شهری و مبارزه با دستفروشان است و اجرای آن از منطقه شیش تهران آغاز می شود. این طرح در حالی است که اکثر شهروندان تهرانی از این اقدام بسیار ناراضی هستند و آن را نوعی توهین به شخصیت افراد قلمداد می کنند. این اقدام در راستای سرکوبی جوانان می باشد.

ماموران سرکوبگر هر روز وحشیانه تر عمل میکنند

بنا بر خبر دریافتی از خبرنگار آژانس ایران خبر، ماموران سرکوبگر نظام از ترس شکل گیری اعتراضات مردمی، علاوه بر گشت زنی و بازرسی خودروها به آزار و اذیت و ضرب و شتم جوانان در خیابانها میپردازند. بنا بر این خبر در ساعت 1230 به بعد در خیابانهای نیاوران، فرمانیه و ولیعصر نیروهای سرکوبگر با متوقف کردن ماشین جوانان به ضرب و شتم آنها پرداخته و در انتها پلاک ماشین آنها را کنده و با خود میبرند.

هفته نامه نیویور کر: دادگاه های نمایشی؛ افشای حکومت ایران و نه متهمان

هفته نامه نیویورکر در شماره تازه خود مطلبی دارد به قلم لارا سکور که در آن ضمن برشمردن سوابق دادگاه های نمایشی در ایران نتیجه می گیرد که این روش در شرایط فعلی بیش از آنکه خوف آور باشد باعث افشای بیشتر حکومت و افزایش انزجار عمومی از آن خواهد شد. نیویورکر می نویسد از زمان وقوع ناآرامی ها در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری حکومت ایران سعی کرده است مخالفت ها را توطئه اجانب و فعالان اصلاح طلب و روزنامه نگاران را جاسوس و همکار کشورهای خارجی به خصوص آمریکا جلوه دهد. تصاویری که از این دادگاه های نمایشی پخش شده به خوبی نشان می دهد که چگونه متهمان تحت فشار مجبور به اعتراف شده اند. مقایسه تصاویر محمد ابطحی معاون رییس جمهور سابق ایران قبل از بازداشت با چهره وی در جلسه دادگاه نمونه برجسته ای است از کسب اعتراف با توسل به شکنجه.

اخراج شاهو محمدی دانشجوی مریوانی از دانشگاه مشهد

شاهو محمدی دانشجوی کرد واحد نیشاپور دانشگاه مشهد، از ادامه تحصیل محروم و از دانشگاه اخراج شد. حکم اخراج شاهو محمدی دانشجوی سال آخر رشته ژنتیک واحد نیشاپور دانشگاه فردوسی مشهد طی روزهای اخیر از سوی دانشگاه صادر گردیده است. شایان ذکر است این دانشجوی که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از سوی دادگاه انقلاب مشهد به سه سال حبس محکوم شده است، هم اکنون در زندان سنجند در حال سپری نمودن دوران محکومیت خود می باشد.

یکی دیگر از کشته شدگان وقایع اخیر در کرمانشاه به خاک سپرده شد

ظهر امروز پیکر محمدجواد پرندها یکی دیگر از کشته شدگان وقایع اخیر در شهر گیلان غرب استان کرمانشاه تشییع و به خاک سپرده شد. محمد جواد پرندها متولد 1365 در شهر گیلان غرب استان کرمانشاه، دانشجوی مهندسی پتروشیمی دانشگاه صنعتی اصفهان پس از شرکت در تجمعات دانشجویان دانشگاه اصفهان در اعتراض به نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به منزل خود در گیلان غرب باز می گردد و پس از چند روز از طرف اداره اطلاعات این شهر احضار و به تأمین وثیقه 30 میلیون تومانی تا زمان بازگشت به اصفهان و مراجعه به اداره اطلاعات این شهر مکلف می گردد. محمد جواد پرندها در وقت مقرر شده همراه با یکی از اعضای خانواده خود به اصفهان مراجعت کرده و طی دو روز متوالی در اداره اطلاعات این شهر حاضر و مورد بازجویی قرار می گیرد. نامبرده پس از دو روز بازجویی صبح روز سوم به قصد حضور مجدد در اداره اطلاعات و پس از آن مراجعه به دادگاه جهت انجام مرحله بازپرسی که وقت آن برای وی تعیین شده منزل را ترک نمی نماید. اما متأسفانه حوالی ظهر

بتاریخ هفتم شهریور یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت

همان روز جسد وی در زیر یکی از پل‌های شهر اصفهان یافته می‌شود. پزشکی قانونی اصفهان علت مرگ این دانشجوی کُرد را برخورد جسم سخت به حجمه عنوان نموده است. گفتنی‌ست مراسم خاکسپاری محمد جواد پرندخ ظهر روز پنج‌شنبه پنجم شهریور ماه در شهر گیلان غرب استان کرمانشاه با حضور گسترده مردم این شهر برگزار گردید و مراسم ختم وی نیز طی امروز و فردا در منزل شخصی‌شان برگزار خواهد شد.

حکم سنگین و غیر انسانی علیه دانشجوی زندانی

بنابه گزارشات رسیده از بند 209 زندان اوین زندانی سیاسی حسن ترلانی به حکم سنگین و ضد بشری 10 سال زندان و تبعید به زندان کرمان محکوم شد. دانشجوی زندانی حسن ترلانی 22 ساله روز یکشنبه 25 مردادماه برای چندمین بار به دادگاه انقلاب برده شد و در شعبه 22 دادگاه انقلاب توسط فردی بنام محسنی مورد محاکمه قرار گرفت. و روز سه شنبه 3 شهریور ماه به خانواده و وکیلش خانم نسرين ستوده اعلام شد که به 10 سال زندان و تبعید به زندان مرکزی کرمان محکوم شده است.

اصلاحات یا انقلاب، حقیقت کدامست؟

احمد فارسی

اینک، پس از دو ماه مبارزه فشرده، زمان آن رسیده است که با نگاهی به آنچه که گذشت، درسهایی برای ادامه راه فراروی بگیریم و طواهر را برای درک از واقعیت بشکافیم.

در طی رقابت هاب انتخاباتی، رهبران اصلاح طلب به مردم می‌گفتند که تنها با شرکت وسیع در انتخابات می‌توانند در فضای سیاسی و عملکرد حکومتی تأثیر گذارند. آنها بخصوص روی این اصل تکیه می‌کردند که تنها از طریق انتخاب و به قدرت رساندن اصلاح طلبان درون حکومت (خودشان) است که می‌توان بدون پرداخت هزینه ی خونی یک انقلاب به آزادی های انسانی و دموکراسی دست یافت. در مقابل، تحریم کنندگان انتخابات، هشدار می‌دادند که در اصل نظام دیکتاتوری، مابین سیاست های اصلاح طلبان حکومتی و اصولگرایان تفاوتی نیست و هدف هر دو طرف، حفظ نظام جبار و حاکم جمهوری اسلامی است که نه تنها در عملکرد خشونت بار و دیکتاتوری نظامی، بلکه حتی در ظاهر قانونی اش هم دیکتاتوری مطلقه ولایت فقیه را در تمامی عرصه های زندگی مردم، از جمله قانون انتخابات، مسلط ساخته است. پس چه مردم رأی دهند و چه رأی ندهند، همواره نام فرد و افرادی از صندوق بیرون خواهد آمد که حافظ این نظام دیکتاتوری و انحصار قدرت و ثروت طبقه حاکمه می باشند. نتایج انتخابات نیز حرف تحریم کنندگان را به اثبات رساند و نام احمدی نژاد بعنوان برنده ی انتخابات بیرون آمد. البته مردم به درستی خواهند گفت که این یک تقلب بوده است و برنده موسوی بود. در پاسخ باید گفت، مگر نتیجه ی انتخابات گذشته از روی سلامت انتخاباتی بوده که این بار را استثناء دانست؟ این تقلب و کودتا علیه اصلاح طلبان حکومتی فقط بیانگر آنست که بحران در طبقه حاکمه باندازه ای است که حتی افرادی را که از فیلتر انتخاباتی شان گذشته اند نیز «اصح» به حفظ قدرتشان تشخیص ندادند. اصولاً در چنین نظامی، قانون، نه قرارداد بین دولت و ملت، بلکه ابزاری برای حفظ انحصار قدرت و ثروت اقلیتی چند هزار نفره بر اکثریتی هفتاد میلیونی است که هرگاه و در هر شرایطی که نتواند نقش مؤثر خود را داشته باشد، به کناری پرتاب شده و ابزار اصلی، یعنی قدرت مسلحانه حکومت به کار گرفته می‌شود. پس ادعاهای اصلاح طلبان حکومتی که گویا مردم می‌توانند بدون دادن هزینه ی خونی انقلاب و از طرق قانونی به آزادی های انسانی و دموکراسی برسند، تنها ابزاری برای تحمیق مردم است. تحمیق مردمی که از ظلم و ستم و تبعیض اقتصادی و سیاسی جان به لب شده اند. راهی انحرافی تا انرژی متراکم تحول دهنده شان به کانالهای بدون خطر برای بقا نظام سرریز شود.

دیدیم که واقعیات اخیر نیز ثابت کرد که اختلافات و رقابت های انحصارهای اقتصادی و سیاسی تشکیل دهنده ی هیئت حاکمه عمیقتر از آن بود که بتوانند از طریق انتخابات و مسالمت آمیز، حتی، در میان خود قدرت را جابه جا کنند. جناح سپاه تازه به دوران رسیده هنوز از بالا کشیدن ثروت های مردم سیراب نشده است که حاضر به تسلیم مسالمت آمیز ابزارهای اجرایی به جناح اصلاح طلب باشد. این سبب شد تا کانال های مسالمت آمیز و بی خطر انتقال قدرت بین خودشان هم مسدود گشته و سیل عظیمی از انرژی تحول خواه مردمی به خیابان ها سرریز گردد و به سرعت جهت «سرنگونی دیکتاتوری و جمهوری اسلامی» را بیابد.

ما در این چند سطر نمی‌توانیم تمامی جوانب چنین حرکت تاریخی ای را، حتی اگر به تمامی آن اشراف داشتیم، توضیح دهیم، بلکه تنها می‌خواهیم به بخشی از عملکرد «رهبران» اصلاح طلب حکومتی، پس از طغیان مبارزات مردمی بپردازیم.

برای کسانی که در میدان مبارزات حضور داشتند کاملاً محرز است که مبارزات مردمی، خارج از کنترل جناح های هیئت حاکمه آغاز گشت و به سرعت ماهیت ضد حکومتی خود را یافت. جناح کودتاچی، با موضعی روشن و واضح، دست به اسلحه شد و سرکوب خونین را آغاز کرد و با هر گلوله، بخشی از توهم مؤثر بودن «اقدامات مسالمت آمیز» را از اذهان مردم درید. اما، جناح اصلاح طلب بازی پیچیده ای را آغاز کرد. آنها که برای تقابل با رقیب از ابزارهای حکومتی محروم شده بودند، هنوز به انرژی مردم برای فشار بر جناح حاکم نیاز داشتند. اما، این نیروی مردمی نمی‌بایست توان تخریب نهادهای دیکتاتوری و انعقاد نطفه های نهادهای دموکراتیک را می‌داشت. بلکه تنها، می‌بایست به ابزار عقیم شده ی فشار بر جناح حاکم تبدیل می‌گشت. پس تاکتیک «فشار انفعالی» بعنوان مناسب ترین شکل جهت یابی مبارزات مردمی مطرح گشت و «نظاھرات سکوت آمیز» متولد گشت. اما، جناح کودتاچی، هارتر از آن بود که اجازه دهد تا حتی چنین ابزار بی خطری در برابرش قرار گیرد، پس در نماز جمعه 29 خرداد، حکم تیر را صادر کرد و دوباره به مردم نشان داد که اینگونه اقدامات «مسالمت آمیز» سد راه «حق انحصاری قدرت» ش نخواهد بود. از روز 30 ام خرداد، هزینه ی یک انقلاب تمام عیار به مردم تحمیل شد. و الحق که مردم نیز علیرغم تلاش های اصلاح طلبان حکومتی، به خوبی از پس سرکوب ضدانقلابی هیئت حاکمه برآمده و در اولین قدم ثابت کردند که با زور اسلحه نمی‌توان مردمی را که آماده ی پرداخت هزینه ی انقلاب هستند، سرکوب کرد. اما متأسفانه، به علت ضعف عناصر انقلابی و تعدادشان، این مبارزات نتوانست با آگاهی انقلابی توأم شود و دورنمای مبارزه را در اذهان مردم شکل دهد. البته مردم بر مبنای نیاز مبارزاتی خود نتوانستند نطفه های نهاد دموکراتیک محلات را شکل دهند، اما از اینکه این نهادها چه ارزش و قابلیتی دارند و اینکه به کدام سمت باید تکامل یابند آگاه نگشتند. در اینجا بود که تلاشهای انقلابی مردم، بازهم در زیر رهبری اصلاح طلبان حکومتی باقی ماند و ایشان نیز با به کارگیری تاکتیک «تجمعات ممتد و متمرکز بی هدف» و درگیر ساختن اذهان مردمی به تقابلهای خیابانی بی ثمر، این نیرو را به فرسایش کشاندند و اُفت کنونی را باعث گشتند.

با وجود فروکش کردن تقابلات خیابانی، فضای جامعه هنوز ملتهب است، چرا که اقدامات مردمی ثمری نداشته و معضلی را حل نکرده است. تنها دستاورد این مقطع، رویگردانی مردم از رهبران اصلاح طلب است. ما می‌بایست در این شرایط با ارائه تحلیل های عینی و راه حل های واقعی به مردم، کمک کنیم تا بغیر پی بردن به اشتباهاتشان و زدودن توهمات «اصلاحات مسالمت آمیز»، صاحب درکی عمیق نسبت به انقلاب دموکراتیک و اهداف آن و نیروهای طبقاتی تشکیل دهنده اش شوند و با آگاهی به جنبه ی سازنده ی انقلاب، مرحله ی جدیدی از مبارزات را آغاز کنند.

انتشار از «ندای سرخ»، 7 شهریور 1388